



## آیا پایه گذار شیعه یک یهودی به نام عبدالله بن سبا است؟

علامه عسکری با فعالیت‌های تقریبی موجب شد تا ابهامات و شبهاتی که در میان اهل سنت نسبت به فکر و عقیده شیعه وجود داشت، برطرف شود.

علامه عسکری با فعالیت‌های تقریبی موجب شد تا ابهامات و شبهاتی که در میان اهل سنت نسبت به فکر و عقیده شیعه وجود داشت، برطرف شود. به عنوان نمونه، کتاب &#171;عبدالله بن سبا&#171; یک شبهه بسیار مهمی که در اذهان اهل سنت بود را برطرف کرد. آن‌ها معتقد بودند که پایه‌گذار مذهب شیعه، یک شخص یهودی به نام عبدالله بن سباست که در زمان عثمان ظهور کرده و با هدف تشقیق و برهم زدن صفوف اسلامی، فرقه‌ای به نام تشیع راه‌اندازی کرده است و علامه عسکری با نگارش آن کتاب، این شبهه را رفع کرد.

در پی نگارش این کتاب توسط علامه عسکری افراد زیادی برای ایشان نامه نوشته و از ایشان تشکر کردند. اصلاً نگارش کتاب &#171;عبدالله بن سبا&#171; سبب شیعه‌شدن افراد زیادی شد و علامه نیز با همین هدف این کتاب را نوشت. کتاب دیگری که علامه عسکری با همین رویکرد تقریبی نوشت تا شبهات را برطرف کند، کتاب شریف &#171;صد و پنجاه صحابی ساختگی&#171; در چهار جلد بود.

علامه عسکری همچنین کتاب &#171;معالم المدرستین&#171; که با عنوان &#171;ویژگی‌ها و دیدگاه‌های دو مذهب در اسلام&#171; نیز ترجمه شده است، با همین رویکرد تقریبی نوشت. مشاهده می‌شود که علامه عسکری در این کتاب، معارف اسلامی را به تفصیل توضیح داده‌اند و اصطلاحات شرعی را شرح می‌دهند، سپس معارف مکتب تشیع را توضیح می‌دهند و ضمناً دیدگاه‌های اهل تسنن درباره مسائل اسلامی را نیز بیان می‌کنند.

تلاش‌های تقریبی علامه عسکری در کتاب &#171;نقش عایشه در اسلام&#171; نیز قابل مشاهده است. در رویکرد تقریب بین مذاهب اسلامی گاهی علمای ما با حسن‌ظن برخورد می‌کردند و مطالب خلافی از کتاب‌های اهل سنت به کتاب‌های شیعه راه پیدا می‌کرد، اما علامه عسکری به دلیل تتبع گسترده‌ای که در منابع شیعه و سنی داشته، این اشتباهات را متذکر و یادآور می‌شود.

علامه عسکری کتابی با عنوان &#171;نقش ائمه (ع) در احیاء دین&#171; دارد که در چهارده جلد نگاشته شده و در مجموعه دو جلدی نیز چاپ شده است. در جلد هشتم این کتاب از صفحه 68 به بعد، علامه عسکری نمونه‌هایی از این اشتباهات را بیان کرده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

علامه عسکری از کتاب کامل ابن اثیر نقل می‌کند که در یکی از جنگ‌ها راهبی از اهل حجر که منطقه‌ای در بحرین است، اسلام می‌آورد. از او می‌پرسند که شما چرا مسلمان شدی؟ او گفت: من مطالبی را دیدم و ترسیدم مسلمان نشوم و خدا مرا به صورت حیوان مسخ کند. آن مطالب عبارتند از: یکی، این‌که در فتح بحرین برای مسلمانان در کویر، آب پدید آمد. دوم، امواج دریا برای مسلمانان آرام شد و (بنا به نقلی) مسلمانان روی موج دریا راه رفتند.

ابن اثیر متوفی 630 هجری است. این قضیه را نیز از تاریخ طبری نقل کرده که خود طبری متوفی 310 هجری است، نقل کرده است. ضمن این‌که ریشه این افسانه نیز به همان سیف بن عمر بازمی‌گردد. عجیب این است که می‌بینید سید بن طاووس در کتاب &#171;المجتبی&#171; که یک کتاب دعایی است و به عنوان تتمه کتاب &#171;مهج الدعوات&#171; ایشان چاپ شده، در صفحه 699 همین مسئله را نقل می‌کند.

علامه عسکری در این باره می‌فرماید که اساساً اصل این جریان را ابن اثیر از تاریخ طبری نقل کرده و تاریخ طبری نیز آن را از سیف بن عمر نقل کرده و تمام این جریان‌ات و نقل‌ها از اساس باطل است. این یکی از نمونه‌های پژوهش‌های گسترده علامه عسکری است که مشاهده می‌کنید حتی علمای بزرگی همچون سید بن طاووس نیز دچار اشتباه شده‌اند، ولی علامه عسکری با تحقیق علمی آن مسئله را روشن کرده است.

کار تقریب بین مذاهب در میان علمای ما سابقه دارد. از زمان علی بن عیسی اربلی که صاحب کشف‌القمه است، می‌بینیم که اساساً این کتاب با رویکرد تقریب بین مذاهب نگاشته شده است؛ لذا می‌بینید که علی بن عیسی اربلی که از بزرگان علمای شیعه است، در کتاب کشف‌القمه بسیاری از روایات اهل سنت را نقل می‌کند.

حتی مشاهده می‌کنیم که علی بن عیسی اربلی، روایاتی درباره خلفا نقل می‌کند. یا به‌عنوان نمونه، تا قرن نهم هجری علمایی را می‌بینیم که در همین راستا تلاش کرده‌اند. ابن ابی جمهور احصائی، صاحب کتاب عوالی اللئالی چهار جلد کتاب نوشته و در این کتاب، بسیاری از روایات را از منابع اهل سنت استخراج کرده است.

در بین علمای شیعه در سده‌های مختلف، نگاه تقریبی وجود داشته است که در کتب اهل سنت جستجو کنند و مضامینی که با فکر و فقه شیعه متناسب بوده، استخراج کنند و این بهترین زمینه بین تقریب مذاهب را فراهم می‌کند. ابن ابی جمهور احصائی در کتاب خود، مطالب و روایات را از منابع اهل سنت نقل کرده است.

به‌عنوان در فقه، قاعده‌ای به نام &#171ضمان ید» داریم که می‌گوید: علی الید ما أخذت حتی تؤدی. این قاعده را هنگامی که در منابع فقهی جستجو می‌کنید، مشاهده می‌کنید که این روایت در منابع شیعی وجود ندارد و تنها در مستدرک میرزای نوری(ره) مطرح شده که آن هم به‌صورت مرسل و بدون سند آمده است.

یا به‌عنوان نمونه در کتبی که با عنوان قواعد فقه شیعه نگاشته می‌شود، اگر بررسی کنید، مشاهده می‌کنید که اساساً مدرک و مستند قاعده ضمان ید، همین حدیث است. شنیده‌ام که در زمان خود ما نیز بعضی از آیات عظام و مراجع تقلید نیز چنین تلاش‌هایی کرده‌اند و با جستجو در کتاب‌های اهل سنت، مضامینی که با فکر و فقه شیعه متناسب است، استخراج کرده‌اند و در کتابی جمع‌آوری کرده‌اند.